



شهروندان کوچه‌های رسالت ۸۲ تا ۹۴ از افزایش تعداد سگ‌های بدون صاحب در این محدوده و ناامنی شبانه گلایه دارند

سایه ترس بر کوچه‌های مهرمادر

محمد رضا فیضی از گازگرفتگی پهلوی یک کودک تا آسیب دیدن دست یکی از پاکبانان؛ این‌ها تنها بخشی از حوادثی است که در حافظه اهالی محله مهرمادر ثبت شده است. آن‌ها می‌گویند در میان انبوه مطالبات تلنبار شده‌شان، رسیدگی به وضعیت سگ‌های پر شمار بدون صاحب به یکی از دغدغه‌های مهمشان تبدیل شده است. در بازدیدی که هفته پیش از کوچه‌های رسالت ۸۲ تا ۹۴ و همچنین کوچه‌های یوسف باری و مهرمادر داشتیم، با اهالی هم‌قدم و هم‌کلام شدیم تا مشکلی را پیگیر شویم که ترس رابه جان اهالی و کودکان محله، انداخته است.



خانه مان زده شد. وقتی همسرم در را باز کرد، با یکی از پاکبان‌ها روبه‌رو شد که برای کمک به خانه ما پناه آورده بود. سگی به او حمله کرده و دستش را گاز گرفته بود. حالش خوب نبود و باید برای زخم‌هایش فوری کمک می‌کردیم. از این جور اتفاقات ما زیاد دیده ایم اینجا.»

محمد علی علی‌پرست، یکی دیگر از ساکنان محله، نیز می‌گوید: خانه ما فاصله زیادی با زمین‌های کشاورزی ندارد. شب‌ها، به ویژه بعد از ساعت ۹، دیگر جرئت بیرون رفتن از خانه را بدون چوب و وسیله‌ای برای دفاع از خود نداریم. همسرم در یک شرکت صنعتی مشغول به کار است و وقتی شب‌ها به خانه برمی‌گردد، قبل از رسیدن تماس می‌گیرد تا با چوب به سر کوچه برویم و او را همراهی کنیم. مسئولان فکری به حال ماکنند.

آرامشی که شب‌ها نیست

دغدغه‌شان نیاز به اثبات ندارد. در حالی که با شهروندان محله مهرمادر در انتهای رسالت ۹۲ مشغول گفت‌وگو هستیم، پرسه‌زدن چند سگ ولگرد، توجهمان را به خود جلب می‌کند. سمانه علیزاده یکی از مادران ساکن محله مهرمادر است؛ مادری که هنوز هم با دیدن این سگ‌ها، خاطره تلخ آسیب دیدن فرزندش برایش زنده می‌شود. او می‌گوید: ۹ سال است اینجا زندگی می‌کنیم. اوایل تعداد سگ‌های ولگرد این قدر زیاد نبود، اما متأسفانه هر سال وضعیت بدتر می‌شود انگار، طوری شده است که شب‌ها سگ‌ها به صورت گله‌ای در کوچه‌های چرخند و گاهی با صدای پارس کردن‌های دسته‌جمعی‌شان از خواب می‌پریم.

خاطره تلخ

او روایتش را به سه سال قبل برمی‌گرداند؛ روزی که پسرش علی، کودک پنج‌ساله آن روزها، مشغول بازی با بچه‌های همسایه بود؛ عصر بود. حدود ساعت ۴، یک دفعه صدای جیغ علی را شنیدم. وقتی خودم را به کوچه رساندم، دیدم روی زمین افتاده و از شدت درد جیغ می‌زند. اول فکر کردم تصادف کرده، اما کمی بعد متوجه شدم یکی از همین سگ‌های ولگرد به او حمله کرده و ران پایش را گاز گرفته است.»

خانم علیزاده می‌گوید جای دندان‌های سگ هنوز روی بدن فرزندش باقی مانده است. علی به دیوار تکیه داده و شنونده صحبت‌های ماست. او ترجیح می‌دهد از آن روز و خاطره تاریکش، چیزی نگوید. اشتیاق ما برای شنیدن و اصرارهای مادر را که می‌بیند، چشم‌هایش را ریز می‌کند و بعد از مرور خاطره آن روز در ذهنش، می‌گوید: داشتم با بچه‌ها بازی می‌کردم که یک سگ زرد نزدیکم شد و بعد به سمتم حمله کرد. پایم را گاز گرفت. خیلی ترسیدم و فقط جیغ می‌کشیدم. همان سگ هنوز هم هست و همین دوروبر می‌چرخد.

علی ادامه می‌دهد: من را سریع به دکتر بردند و چند بار هم برای اینکه خوب بشوم، آمپول زدند.

تشدید ناامنی در شب‌ها

با گذشت سه سال از آن ماجرا، ترس تا مدت‌ها همنشین علی بود. به طوری که حاضر نمی‌شد به تنهایی از خانه بیرون برود؛ درست مثل فرزند خانم جوانشیر، از دیگر ساکنان این کوچه که می‌گوید: پسرم وقتی می‌خواهد برود توی کوچه، باید حتماً ابتدا پدرش از پنجره طبقه دوم، کوچه را بررسی کند و سگ‌های ولگرد را با هر ترفندی که شده، از اطراف خانه دور کند.

آرامشی که این سگ‌ها از اهالی محله به یغما برده‌اند، به همین‌ها ختم نمی‌شود. علیزاده به حادثه دیگری اشاره می‌کند که برای یکی از پاکبانان منطقه رخ داده بود؛ یک روز صبح زود، زنگ در

ریشه‌های یک چالش

چند نفر از شهروندان کنارمان ایستاده‌اند و از نگرانی‌هایشان درباره حضور سگ‌های ولگرد می‌گویند. همان‌جا موضوع را با کارشناسان اداره خدمات شهری در میان می‌گذاریم. دقایقی بعد، خودرواکیپ زنده‌گیری سگ‌های بدون صاحب به محل می‌رسد. اما به محض نزدیک شدن خودرو، سگ‌ها مسیر زمین‌های کشاورزی را در پیش می‌گیرند و از دید خارج می‌شوند.

رضا فرخی که پنج سال است در اکیپ جمع‌آوری سگ‌های بدون صاحب منطقه ۳ فعالیت می‌کند، علت این واکنش را چنین توضیح می‌دهد: سگ‌ها شرم بسیار قوی‌ای دارند. به محض اینکه خودرو ما وارد محدوده می‌شود، از بوی خودرو که قبلاً سگ‌های دیگری با آن جابه‌جا شده‌اند، متوجه حضور ما می‌شوند و فرار می‌کنند.

او درباره دلایل افزایش تعداد سگ‌های ولگرد در این محدوده شهری نیز می‌گوید: اطراف این محدوده زمین‌های بایر و روستاهای زیادی وجود دارد. بسیاری از سگ‌های نگهبان روستاها برای پیدا کردن غذا و استفاده از ته‌مانده‌های مواد غذایی وارد محدوده شهری می‌شوند. از طرف دیگر، برخی شهروندان برای این سگ‌ها غذا می‌گذارند و همین موضوع باعث می‌شود آن‌ها به حضور در این محدوده عادت کنند و هر روز به اینجا برگردند.

فرخی از شهروندان می‌خواهد در مدیریت پسماند بیشتر همکاری کنند؛ خواهش ما این است که زیاده‌ها در ساعات تعیین شده بیرون گذاشته شود تا دسترسی سگ‌ها به منابع غذایی کمتر شود. او در پایان، شماره تماس خود را در اختیار ساکنان قرار می‌دهد و تأکید می‌کند: شهروندان هر زمان سگ‌های ولگرد را مشاهده کردند، با ما تماس بگیرند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای زنده‌گیری آن‌ها در محل حاضر شویم.

جمعه گذشته بارضا فرخی ارتباط گرفتیم، او از جمع‌آوری تعدادی سگ بلاصاحب در این محدوده خبر داد و اینکه نظارت تارضایت شهروندان ادامه خواهد داشت.

